



به نظر من قطعا «خندوانه» را تا خیلی سال دیگر می شود ادامه داد، چون «خندوانه» دارد از استند آپ، مهمان و مسابقه های مختلف استفاده می کند. در واقع «خندوانه» مدام در خودش کارهای جدید می کند. یعنی یک ساختار کلی دارد ولی مدام در جزئیات آن تغییر دارد. ما چند مدل مسابقه در «خندوانه» خلق کردیم که هر کدام از اینها می تواند یک برنامه مستقل باشد. برای مثال ادا بازی، قاطی بازی و یا لباهنگ، خودشان می توانند یک برنامه مستقل باشند. اینها همه چیزهایی است که ما در برنامه زایش و خلق می کنیم و جلو می رود. اگر همین نگاه در آن وجود داشته باشد، «خندوانه» می تواند حالاحالاها ادامه پیدا کند.

طراح این برنامه شما بوده اید، می خواهید بپرسم که «خندوانه» همیشه با شماست؟

به هر حال من طراح آن بوده ام و کسی که همیشه و از روز صفرش تا الان آن را برای شکل گیری خودش، اجزایش، اتاق فکرش و... را مدیریت کرده، من بودم. ممکن است که من یک روزی بگویم که از نظر اجزای دیگر توانش را ندارم، به هر حال آدم می تواند بگوید که من اجرا نمی کنم ولی برای مثال در مناسبات پشت صحنه و اتاق فکرش به عنوان آدمی که از روز اول بوده. همچنان حضور دارم و آدم های جدید به جای من بیایند. یک مسأله ای هم که وجود دارد این است که ما ثابت کردیم که «خندوانه»

را سهم پدر و زندگی مان نمی دانیم و آدم های فراوانی به آن آمدند، قد کشیدند، خودشان را نشان دادند و مورد توجه قرار گرفتند. پس این نیست که بگویم همه آن مال خودم است و قطعا آدم های مختلفی می توانند بیایند و هر چقدر که بتوانند از آن سهم بردارند.

مهم ترین دستاورد شما در این هشت فصل «خندوانه» چیست؟ در واقع دستاورد روحی که فهمیدید دیگر باید فلان کار را نکنید و یا حتما فلان خصلت را به شخصیت تان اضافه کنید.

به خیلی چیزها می توانم اشاره کنم از قبیل نوع مدیریت کردن؛ چون مدیریت کردن یک بخشی از زندگی و در اصل می توانم بگویم که همه زندگی است. اینکه کجا باید نسبت به چه چیزهایی پافشاری کنی، کجاها نباید پافشاری کنی، کجاها باید رویت را برگردانی و رد شوی. من خیلی چیزها را در طول این مدت از «خندوانه» یاد گرفتم و به این نتیجه رسیدم که زندگی آن قدر ارزش این را ندارد که آدم برای آن خیلی حرص بخورد. آدم باید آرام تر زندگی را ساده تر بگیرد، آدم باید آرام تر با خودش و محیطش رفتار کند. هر چقدر بتوانی خشم را کنترل کنی و بتوانی این آرامش را به دست آوری و نسبت به خودت و آدم های اطرافت مهربان تر رفتار کنی، رشد و تعالی شخصیتی، روحی و روانی پیدا می کنی و در عین حال می توانی روزگارت



به نظر من قطعا «خندوانه» را تا خیلی سال دیگر می شود ادامه داد، چون «خندوانه» دارد از استند آپ، مهمان و مسابقه های مختلف استفاده می کند. در واقع «خندوانه» مدام در خودش کارهای جدید می کند. یعنی یک ساختار کلی دارد ولی مدام در جزئیات آن تغییر دارد. ما چند مدل مسابقه در «خندوانه» خلق کردیم که هر کدام از اینها می توانند یک برنامه مستقل باشد

را آرام تر بگذرانی. چون نمی دانی که تا چه زمانی زنده هستی، بعد هم نمی دانی که تا چه زمانی سالم هستی. یعنی یک دفعه یک معلولیت و از کار افتادگی یا یک ناتوانی و یا مرگ رخ می دهد، پس اصلا این جنگ برای چیست؟ من انتخابم این است. در باره دستاوردی که می گوید هم به این فکر کنید که به هر حال هشت سال است که من و این جماعت متخصص در چه یک داریم در کنار هم کار می کنیم. اگر قرار بود که من آدم بد اخلاق، آدم بد طبیعت و آدم حسودی باشم، پیش نمی رفت. نمی گویم که اینها را ندارم ولی اگر قرار بود که نتوانم این خصلت های انسانی و بشری ام را کنترل کنم و مدام دعوا و بی احترامی کنم و حقوق آدم ها را نادیده بگیرم و به آنها بی مهری کنم، آنها نمی ماندند. این همه کار وجود دارد و همه این افراد هم آدم های متخصصی هستند و سر کارهای مختلف می رفتند. چرا باید می ماندند با یک خل و چل و دیوانه زندگی می کردند؟! بنابراین دستاورد خندوانه برای من این است که من توانستم با خانواده «خندوانه» ام این همه سال زندگی کنم و این برای من خیلی لذت بخش و ارزشمند است.